



یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۳
سال سوم - شماره ۵۰۴
www.hammihanonline.ir



احضار مجدد سیدمصطفی تاجزاده

کانال تلگرامی مصطفی تاجزاده در خبری از احضار این فعال سیاسی توسط قاضی خبر داد و نوشت: «صبح امروز (دیزور) برای بار سوم سیدمصطفی تاجزاده، توسط قاضی رستمی احضار شد. این در حالی است که او پیشتر در حکمی به پنج سال زندان محکوم شده بود و یک سال و ده ماه از حکم خود را در بند ۴ زندان اوین سپری کرده است و در حال حاضر به خواسته ضابطین دور از دیگر زندانیان سیاسی نگهداری می‌شود.» در ادامه آمده است: «تاجزاده این بار هم به معاون قضایی زندان گفته که به دادگاه نمی‌رود. مثل قبل دادگاه غیابی برگزارند و حکم را اعلام کنند اما حکم جلب را به او نشان داده‌اند!»



ضرورت توجه به گزارش‌های ملی حوزه آموزش

حزب اتحاد ملت با صدور بیانیه‌ای به مناسبت هفته معلم به بیان معضلات و مصائب پیش‌روی نظام آموزش کشور و البته راهکارهایی در این باب پرداخته است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «هیافت‌های جدید علمی تجارب ملی نشان می‌دهند که حتی در پیچیده‌ترین و دشوارترین شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی نظیر آنچه امروز ایران با آن روبرو است، اهتمام به مسائل آموزش و پرورش و آموزش عالی اولویت دارد. همه‌وجه توسعه‌مستلزم توسعه علمی، آموزشی و انسانی است و بدون گشایش در وضع نهاد مدرسه و نهاد دانشگاه گشودگی در زمینه‌های دیگر ناممکن است.» در بخش دیگر آن آمده است: «خوشبختانه در ماه‌های گذشته، دو گزارش ملی با عنوان «مسائل آموزش و پرورش ایران: دعوت به گفت‌وگوی فراگیر برای بازاندیشی» و «مسئله دانشگاه در ایران، بحران‌ها و چشم‌اندازها» از سوی محققان، کارشناسان، صاحب‌نظران، مدیران ارشد سابق و کنشگران حوزه تعلیم و تربیت و آموزش عالی زیر نظر سیدمحمد خاتمی منتشر شد که راه را بر گفت‌وگوی ملی پیرامون مسائل و بحران‌های مبتلا به در این حوزه باز کرد. همه‌نهادهای سیاسی و مدنی و صنفی و همه فعالان عرصه اندیشه و عمل می‌توانند و باید با نقد و تکمیل منظرهای کارشناسانه این گونه، راه را بر کاهش و کنترل بحران‌های جاری و اصلاح رویکردها، راهبردها و روش‌های بحران‌زای سیاسی و اجرایی بکشایند.»



میان‌روها در آذربایجان شرقی

اصغر زارع کومپویی، فعال رسانه‌ای در یادداشتی با عنوان «نگاهی کوتاه به انتخابات مجلس دوازدهم در تبریز، اسکو و آذربایجان» با بیان اینکه مشارکت در تهران زیر ۱۰ درصد بوده است؛ به حضور بیش از ۱۵ درصدی تبریز در مرحله دوم اشاره کرده و نوشته است: «بررسی ترکیب و تبار رای‌دهندگان حائز اهمیت است. فکر می‌کنم حدود ۴۰ درصد مشارکت‌کنندگان بدنه وفادار همیشه در صحنه هستند. حدود ۲۰ درصد طرفداران اختصاصی کاندیداهای حاضر هستند (به‌طوری که اگر کاندیدای خود را نداشتند، شرکت نمی‌کردند). حدود ۴۰ درصد نیز کسانی هستند که دغدغه میانه‌روی و توسعه کشور را دارند و رای آن‌ها در انتخاب کاندیداهای میانه‌رو (نصف منتخبان) مؤثر بوده است. آرای محدود فعلی، میان میانه‌روها و کاندیداهای جبهه پایداری تقسیم شده. این نشان می‌دهد هیچ جریانی برتری مطلق ندارد. این تقسیم‌آرا نشانه وجود وضعیت دوقطبی در میان رای‌دهندگان است. در مجموع، رای‌دهنده‌های تبریز، اسکو و آذربایجان شرقی» و «عملکرد» را به «تندروی» و «شعار» ترجیح دادند.»

آقای خاتمی در جمع مشاوران خود به فرصتی که برای ایران در پی درگیری با اسرائیل در سطح خارجی و داخلی ایجاد شد و انتظار از استفاده‌ی مناسب نظام از آن سخن گفته و اینکه می‌شد از آن به‌عنوان عاملی برای ایجاد وحدت ملی در داخل استفاده کرد. تحلیل‌تان از این بخش از سخنان آقای خاتمی چیست و به نظر‌تان چقدر چنین رخدادی قابلیت ایفای نقشی وحدت‌آفرین دارد؟ و چگونه می‌شود از این فرصت استفاده کرد؟

باورم تا زمانی که پشت صحنه سیاسی افراد مدعی اخلاقی مشخص نشود، هرگونه ابتکار آرمانی در حد آرمانی باقی می‌ماند و بیش از آن تجلی پیدا نمی‌کند. **مهدی معتمدی‌مهر:** فکر کنم که بهتر است به این سوال از منظر دکترین امنیت ملی پاسخ داد؛ چراکه مقوله وحدت ملی، موضوعی راهبردی قلمداد می‌شود که در چارچوب امنیت ملی قرار دارد. باید توجه داشت که ایران در جغرافیای سیاسی خاصی قرار دارد که سبب می‌شود نتواند نسبت به وقایع کلانی که در فراسوی مرزهای بین‌المللی اش رقم می‌خورد، بی‌تفاوت باشد. طبیعی است که در موقعیت کشوری مانند ایران که در قلب خاورمیانه از چند سو در محاصره حضور نظامی و اقتصادی و سیاسی ابرقدرت‌های سلطه‌گر جهانی و شرکا و متحدین راهبردی آنان قرار گرفته است، امنیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی، صرفاً در داخل مرزهای آن رقم نمی‌خورد و بنابراین حضور راهبردی ایران در منطقه و در عرصه‌های گوناگون امنیتی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی، امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر است. این موضوع در گذشته نیز وجود داشت و تنها منحصر به جمهوری اسلامی نیست. چراکه این موضوع یک ضرورت بی‌بدیل عینی است. اما مهم، نحوه و ماهیت حضور ما در آن سوی مرزهای بین‌المللی است که به نظر می‌رسد مسیر درستی را طی نکرده‌ایم چراکه به این مسئله استراتژیک صرفاً به‌مثابه موضوعی نظامی پرداخته شده است. داشتن توان دفاعی امر بسیار مهمی است و کشوری در موقعیت ایران چاره‌ای ندارد که از ظرفیت‌های موشکی و حتی هسته‌ای مجاز مادن سلاح‌های کشتار جمعی برخوردار باشد، اما این تمام ماجرا نیست و نکته‌ای که آقای خاتمی نیز از این جهت به آن اشاره کردند، آن است که صرف داشتن توان نظامی و موشکی بدون مشارکت ملی نمی‌تواند متضمن امنیت ملی ایران و بقای سرزمینی آن

باشد. این همان موضوعی است که آقای ظریف هم در مصاحبه با آقای لیلار به آن پرداخت و گفت که منافع ملی ایران زمانی تامین می‌شود که «میدان» در خدمت «دیپلماسی» و دیپلماسی در خدمت توسعه پایدار و متوازن کشور قرار گیرد. مسیری که جمهوری اسلامی در مدت چهل و اندی سال طی کرده رانمی‌شود به سهولت و در کوتاه‌مدت تغییر داد، اما از این فرصتی که حمله موشکی و پهپادی به اسرائیل پدید آورد و در واقع یک مانور دفاعی بود که گوشه‌ای از توان دفاعی ایران را نشان داد، می‌توان به‌مثابه فرصتی صلح‌آمیز استفاده کرد و از دست‌بالا در حوزه سیاست خارجی، زمینه‌گشایش در سیاست داخلی و تقویت فرآیند توسعه سیاسی و مشارکت ملی را رقم زد تا بخشی از ابربحران‌های کنونی را مهار کرد و زمینه‌گذار به ثبات و توسعه را فراهم کرد. در غیر این صورت، این کار فقط در حد یک مانور هیجانی و توان مقطعی قلمداد خواهد شد و تنها در همین حد باقی خواهد ماند. هزینه موشک‌ها و پهپادهایی که آن شب به سوی اسرائیل پرتاب شد، ظاهراً هزینه بالایی بوده است و البته برای اسرائیل نیز همین هزینه را داشته است. طبیعی است که ایران مبتلا به کاهش ارزش پول ملی که از روند توسعه و تولید و رشد اقتصادی دور مانده و در عرصه تجارت بین‌المللی نیز از جایگاه قابل قبولی برخوردار نیست، در بلندمدت نمی‌تواند چنین هزینه‌ای را پرداخت کند. به همین دلیل است که تحلیل‌گران واقع‌گرای سیاسی و امنیتی تاکید دارند که توان موشکی و نظامی ما در صورتی یک توان واقع‌بینانه و تضمین‌کننده امنیت ملی پایدار می‌تواند باشد که متکی بر رشد و توسعه اقتصادی باشد و آن هم البته، بدون توسعه سیاسی و گشایش داخلی و نیل به مشارکت مردم و همبستگی ملی پدید نخواهد آمد. به عبارت دیگر، همان‌طور که بدون امنیت ملی و استقلال، از دموکراسی و حاکمیت ملت خبری نیست، بدون توسعه سیاسی و دموکراسی هم امنیت ملی و استقلال پایدار در کار نخواهد بود.

مسئله بعدی که آقای خاتمی به آن اشاره کرده، بهره‌برداری از این اتفاق در فضای بین‌الملل برای ارتباط عزتمندانه و آشتی با جهان عنوان شده است؟ به نظر شما آیا در پی این درگیری (ایران و اسرائیل) چنین فرصتی برای ایران مهیا شده است؟ چگونه باید ایران از آن بهره‌برداری کرد؟

دوستی در قالب سیاست کلان و جامع قرار می‌گیرد، «شاید به همین دلیل است که خاتمی این صحبت را مطرح کرده است. ایشان در زمان ریاست جمهوری «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را مطرح کرد که یک سیاست فراگیر بود اما بخشی از فرصت‌های سیاست خارجی از سوی کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای اروپایی سوزانده شد و این کشورها و آمریکا به جای گفت‌وگو با ایران به سمت تحریم در سال ۱۹۹۵ (دامتو) حرکت کرد. در حال حاضر نیز متأسفانه سیاست خارجی عکس این موضوع حرکت می‌کند و سیاست‌های دشمن‌ساز به صورت فراگیر و فله‌ای شکل می‌گیرد و سیاست‌های دوستی، نقطه‌ای است. به‌عنوان مثال ایران توانایی‌هایی در زمینه موشکی دارد اما متأسفانه این توانایی‌ها به گونه‌ای مطرح شده و کاربردهایی داشته که کشورهای همسایه حاضر نشدند با ایران یک چتر امنیتی به وجود آورند. آنها از این شرایط ترسیده‌اند و به سمت مناسبات امنیتی و حتی نظامی با آمریکا (و به‌صورت غیرمستقیم اسرائیل) حرکت کردند. در ایران تربیون‌های دشمن‌ساز متعدد شدند و موضع‌گیری‌های دوست‌ساز معذود. برخی از مواضع به‌انزوی ایران از طرف کشورهای رقیب و دشمن کمک می‌کند. تا زمانی که اولیگارش‌های تحریم در ایران وجود دارد، سیاست خارجی کشور وارد تنش‌زدایی نمی‌شود و همچنان در کانون تنش حضور خواهد داشت. مشکل اینجاست که نا‌برخی از گروه‌ها در تنش است؛ مانند کاسیان تحریم که به راحتی از فروش هر بشکه نفت ایران سود می‌برند و البته کسانی که با شعارهای افراطی و دروغ به مناصب سیاسی دست پیدا می‌کنند. مناصب سیاسی و نان اقتصادی این افراد در تنش‌ها با ایران است. تا زمانی که اولیگارش‌های تنش و دیپلماسی تنش‌زدایی بر کشور غلبه دارد ایران فرصت‌ها را از

دوستی در قالب سیاست کلان و جامع قرار می‌گیرد، «شاید به همین دلیل است که خاتمی این صحبت را مطرح کرده است. ایشان در زمان ریاست جمهوری «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را مطرح کرد که یک سیاست فراگیر بود اما بخشی از فرصت‌های سیاست خارجی از سوی کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای اروپایی سوزانده شد و این کشورها و آمریکا به جای گفت‌وگو با ایران به سمت تحریم در سال ۱۹۹۵ (دامتو) حرکت کرد. در حال حاضر نیز متأسفانه سیاست خارجی عکس این موضوع حرکت می‌کند و سیاست‌های دشمن‌ساز به صورت فراگیر و فله‌ای شکل می‌گیرد و سیاست‌های دوستی، نقطه‌ای است. به‌عنوان مثال ایران توانایی‌هایی در زمینه موشکی دارد اما متأسفانه این توانایی‌ها به گونه‌ای مطرح شده و کاربردهایی داشته که کشورهای همسایه حاضر نشدند با ایران یک چتر امنیتی به وجود آورند. آنها از این شرایط ترسیده‌اند و به سمت مناسبات امنیتی و حتی نظامی با آمریکا (و به‌صورت غیرمستقیم اسرائیل) حرکت کردند. در ایران تربیون‌های دشمن‌ساز متعدد شدند و موضع‌گیری‌های دوست‌ساز معذود. برخی از مواضع به‌انزوی ایران از طرف کشورهای رقیب و دشمن کمک می‌کند. تا زمانی که اولیگارش‌های تحریم در ایران وجود دارد، سیاست خارجی کشور وارد تنش‌زدایی نمی‌شود و همچنان در کانون تنش حضور خواهد داشت. مشکل اینجاست که نا‌برخی از گروه‌ها در تنش است؛ مانند کاسیان تحریم که به راحتی از فروش هر بشکه نفت ایران سود می‌برند و البته کسانی که با شعارهای افراطی و دروغ به مناصب سیاسی دست پیدا می‌کنند. مناصب سیاسی و نان اقتصادی این افراد در تنش‌ها با ایران است. تا زمانی که اولیگارش‌های تنش و دیپلماسی تنش‌زدایی بر کشور غلبه دارد ایران فرصت‌ها را از

حشمت‌الله

فلاح‌پیشه:

سیاست خارجی خوب

سیاستی است که

دشمنی‌ها نقطه‌زنی

می‌شود و دوستی

در قالب سیاست

کلان و جامع قرار

می‌گیرد.» شاید به

همین دلیل است که

خاتمی این صحبت را

مطرح کرده است.

در حال حاضر نیز

متأسفانه سیاست

خارجی عکس این

موضوع حرکت

می‌کند و سیاست‌های

دشمن‌ساز به صورت

فراگیر و فله‌ای

شکل می‌گیرد و

سیاست‌های دوستی،

نقطه‌ای است

عباس عیدی: به نظر، ما حتی در مقطع مشابه فتح خرمشهر هم نیستیم. حمله به اسرائیل اتفاق مهمی بود اما در مقیاسه با فتح خرمشهر هنوز فاصله‌اش زیاد است. پس از آن موفقیت، جلسه‌ای که نزد رهبری گذاشته شده بود و اخبارش هم درآمد، امام گفته بود که از این به بعد دیگر داخل خاک عراق نشوید و دلیل هم آورده بودند. در واقع با این رویکرد، فتح خرمشهر می‌توانست پایه خوبی برای رسیدن به یک توافق جامع به سود ایران باشد و همان موقع توافقی ایجاد کند که متضمن صلح عادلانه برای ایران باشد اما همان موقع خیلی‌ها و از جمله خود ما، فکر می‌کردیم حالا که خرمشهر آزاد شده، می‌توانیم گام‌های دیگری را برداریم و خیلی جلودریم. سیاستمدار حاذق اینجاست که نقش خود را نشان می‌دهد و در هدایت جامعه می‌تواند مؤثر باشد. اینکه بداند کجا باید توقف کند و یک پیروزی را تثبیت و سپس تبدیل به فرصتی برای دستیابی برای توافق مفید کند اما اگر دنبال‌رو جریان احساسی باشد ممکن است ادامه دهد و آن پیروزی‌اش تبدیل به شکست بعدی شود. پس این رفتار در موضوع اخیر هم ناظر به این است که ایران می‌خواهد با جهان چه کار کند؟ اگر می‌خواهد تفاهم کند این قاعدتاً نقطه مثبت و خوبی است. تفاهم به این معنا نیست که از منافعش بگذرد، به این معناست که منافع مشروع یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند. اگر دنبال چنین هدفی باشد که خیلی خوب است اما اگر دنبال این نباشد، به نظر تنش هم ادامه پیدا خواهد کرد تا به عملیات رمضان و بعد از آن برسیم.

حشمت‌الله فلاح‌پیشه:

کلیدی در موضوع روابط بین‌الملل استفاده می‌کنم: «سیاست خارجی خوب سیاستی است که دشمنی‌ها نقطه‌زنی می‌شود و

عباس عیدی:

این حرف کاملاً درست است و باعث تأسف است که چرا در جامعه ایران، حمایت از فلسطین فقط به ساختار رسمی و حامیان آن منحصر شد.

در حالی که واقعیت مردم این چنین نیست اما بروز نمی‌دهند چون فکر می‌کنند حمایت از فلسطین به این معنا از طرف حکومت به حمایت از خودش تعبیر می‌شود و چون تعبیر به این می‌شود، سعی می‌کنند کمتر حرف بزنند. حتی در بیان عمومی و رسانه‌ای هم وقتی ساختار سیاسی بیاید شکایت کند که چرا این موضوع را نوشته‌ای، بنابراین آدم‌ها ترجیح می‌دهند نپوشند و سکوت کنند و اتفاقاً این سکوت خیلی بد است، زیرا سیستم می‌گوید همه باید مثل من فکر کنند و نظر دهند، در نتیجه همه کنار می‌روند و تعداد اندکی در این میدان باقی می‌مانند و می‌نویسند و نظر می‌دهند. به همین دلیل می‌توان تفاوت رفتار دانش‌جویان در خارج و داخل ایران را با همین چارچوب فهم کرد و حرف آقای خاتمی هم کاملاً درست است.

حشمت‌الله فلاح‌پیشه:

سیاستمداران تازه‌بهوران رسیده امروز «آینده جوانان» جایی ندارد. نقدهای متقابل که در ایران داریم چیزی از حقایق تظاهرات دانشجویان اروپایی و آمریکایی کم نمی‌کند اما در ایران حوزه و عرصه عمومی ضعیف است. جایی که دانشجویان مردم‌پسند اعتقادات و مسائل انتقادی خود را مطرح کنند و این ضعف باعث شده که به نارضایتی‌های اجتماعی و ناآرامی‌های دوره‌ای به‌ویژه دلسردی از صندوق‌رای شکل بگیرد. ایران تنها کشور دنیا بود که راهپیمایی‌های چندده‌هزار نفری را به خود ندید. دلیل این نیست که مردم ایران با ظلم موافق هستند، دلیل این است که نوعی دوگانگی در رفتارهای سیاسی در کشور وجود دارد و جوانان احساس می‌کنند، این دوگانگی در زندگی آنها هم تأثیرگذار است. سازوکار آن نیز بی‌تفاوتی نیست. از سوی دیگر برخی از نخبگان پس از بسته شدن فضای انتخابات توسط شورای نگهبان و... مشکلات مردم برایشان مهم نبود چراکه نخبگان هم به این نتیجه رسیده‌اند که سازوکار رسیدن به مناصب سیاسی از مسیر مردم‌نمی‌گذرد.



مهدی معتمدی‌مهر:

طولانی شدن بحران فلسطین که بیش از هفت دهه تداوم داشته و منجر به جنایت و نسل‌کشی علیه بشریت و تبعیض نژادی و اعتقادی شده و البته ناشی از وجود یک حکومت دینی افراطی در اسرائیل است، سبب شده است که مسئله فلسطین از قالب یک مسئله عربی و اسلامی فراتر رود و در قالب یک مسئله انسانی و جهانی در افکار عمومی مردم جهان دوری شود. به همین جهت با گذر زمان خشم و اعتراض در سراسر جهان نسبت به اسرائیل بیشتر می‌شود. اما سوال شگفت‌انگیز این است که چرا در ایران تقدیر بی‌تفاوتی و حتی نگاه‌های مخالفی وجود دارد؟ سال ۸۸ زمانی که شعار «نه غزه، نه لبنان» مطرح شد، برای من عجیب بود چطور کشوری که صد سال است برای حقوق بشر مبارزه می‌کند نسبت به مهم‌ترین مصداق نقض حقوق بشر واکنش منفی نشان می‌دهد. به نظر من این واقعیت متأثر از رشد تصادفی شکاف دولت-ملت و تنزل شدید امید اجتماعی و اعتماد عمومی به حاکمیت در ایران است که در نتیجه تضعیف آزادی، دموکراسی و عدم رعایت حقوق اولیه مردم رخ داده است.



حشمت‌الله فلاح‌پیشه:

حتی در برنامه‌های سیاستمداران تازه‌بهوران رسیده امروز «آینده جوانان» جایی ندارد. نقدهای متقابل که در ایران داریم چیزی از حقایق تظاهرات دانشجویان اروپایی و آمریکایی کم نمی‌کند اما در ایران حوزه و عرصه عمومی ضعیف است. جایی که دانشجویان مردم‌پسند اعتقادات و مسائل انتقادی خود را مطرح کنند و این ضعف باعث شده که به نارضایتی‌های اجتماعی و ناآرامی‌های دوره‌ای به‌ویژه دلسردی از صندوق‌رای شکل بگیرد. ایران تنها کشور دنیا بود که راهپیمایی‌های چندده‌هزار نفری را به خود ندید. دلیل این نیست که مردم ایران با ظلم موافق هستند، دلیل این است که نوعی دوگانگی در رفتارهای سیاسی در کشور وجود دارد و جوانان احساس می‌کنند، این دوگانگی در زندگی آنها هم تأثیرگذار است. سازوکار آن نیز بی‌تفاوتی نیست. از سوی دیگر برخی از نخبگان پس از بسته شدن فضای انتخابات توسط شورای نگهبان و... مشکلات مردم برایشان مهم نبود چراکه نخبگان هم به این نتیجه رسیده‌اند که سازوکار رسیدن به مناصب سیاسی از مسیر مردم‌نمی‌گذرد.